

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بانوی بزرگوار ، حضرت فاطمه معصومه (س) دختر امام هفتم موسی بن جعفر (ع) ، چنان شخصیت و عظمتی دارد که حرم مطهر و مرقد منورش که حرم ائمه (ع) است . کانون تجمع علمای دین و شیفتگان معنویت است .

در طول سال ، از همه جا زائرانی به افتخار زیارت بارگاه این بانو نائل می شوند و بهره ها و توشه های معنوی می برند .
در این نوشته کوتاه ، سعی شده تا گوشه ای از جلالت و مقام آن حضرت برای علاقه مندان وی، بویژه زائران گرانقدر حرمش ترسیم شود .
(1)
امید است که توفیق زیارت این مرقد نورانی ، به همه آرزومندان نصیب گردد و زیارت عارفان زائران ، مقبول پیشگاه خداوند و اولیاء دین و ذخیره آخرت قرار گیرد .

قم ، جواد محدثی

1378ش

قم ، حرم ائمه (ع)

گروهی از مردم " ری " به زیارت امام ششم حضرت صادق (ع) رفته بودند . هنگامی که به محضر امام شرفیاب شدند ، در معرف خود چنین گفتند : ما اهل "ری" هستیم . حضرت فرمود : مرحبا به برادران قمی ما گفتند : ما از ری آمده ایم . حضرت دوباره همان سخن را فرمود . چند بار دیگر تأکید کردند که ما اهل ری هستیم . پاسخ حضرت همان بود . سپس امام چنین فرمود:
خداوند حرمی دارد که آن " مکه " است . پیامبر (ص) هم حرمی دارد و آن " مدینه " است . امیرالمؤمنین (ع) نیز حرمی دارد که " کوفه " است . ما - ائمه دیگر - هم حرمی داریم و آن " شهر قم " است . بزودی دختری از فرزندانم به نام " فاطمه " در آنجا به خاک سپرده می شود ؛ هر کس قبر او را زیارت کند ؛ بهشت برای او واجب می شود."
این سخن را - به گفته راوی - امام صادق در زمانی فرمود که هنوز امام کاظم (ع) ، پدر حضرت فاطمه معصومه (ع) به دنیا نیامده بود .
(2)

ستایش های عظیم و اوصاف بلندی که درباره این شهر ، در روایات دیده می شود ، بی جهت نیست .
در احادیث ، از قم با عناوینی همچون ؛ سرزمین نجیبان ، حجت بر شهرهای دیگر ، معدن دانش و فضل ، منزلگاه آل محمد ، پایگاه و جایگاه شیعیان ، مأوای فاطمیان ، محل باز شدن در بهشت ، سالم ترین شهر و بهترین جاها ، شهر امن ، شهر یاوران ائمه ، حرم اهل بیت و ... یاد شده است و در حدیثی امام صادق (ع) ، بر اهل قم سلام و درود فرستاده و آنان را اهل رکوع و سجود و قیام و قعود دانسته و از آنان با وصف دانشوران و فهمیدگان و اهل درایت و عبادت نیکو یاد شده است (3) .
آری ... " قم " ، طبق روایات ، حرم اهل بیت و حریم امامان و پناهگاه شیعیان است .
بانویی در آن مدفون است که بارگاهش چون نگینی در این خطه کویری می درخشد و حرمش چشمه ای پرفیض و کرامت جوش است و نه تنها کبوتران بر آسمان مزارش عاشقانه طواف می کنند ؛ بلکه پروانگانی شیفته علم و معنویت ، از سراسر ایران ، بلکه از کشورهای

دیگری همچون حجاز ، بحرین ، هند ، پاکستان ، ترکیه ، عراق ، سوریه، لبنان ، و کشورهای آفریقایی و آسیای دور به این وادی نور آمده اند .

حوزه علمیه قم ، به برکت مرقد پاک این بانو ، پدید آمده و دوام یافته است .

ایران ما ، از فروغ رضوی و عصمت فاطمی روشن و مطهر است .

این دوبرادر و خواهر ، یکی از شرق کشور ، همچون خورشید می درخشد و بر ایران بزرگ ، نور می افشاند ، دیگری در قلب کشور ، در

خاستگاه نهضت ، مرکزیت حوزه فقاقت و عاصمه تشیع را گرم و پر جنب و جوش نگهداشته است .

سخن از " فاطمه " دختر موسی بن جعفر (ع) است ، که به " حضرت معصومه " شهرت یافته و مدفنش زیارتگاه دل‌های شیدا و شیفتگان فضیلت و عفاف است .

سخن از زشرافت بخش قم و طراوت بخش این شهر کویری است که از زلال فیض این " دختر امام " ، همواره خرم و همیشه شاداب است .

کریمه اهل بیت (ع)

نهالی که در بوستان امامت بروید و از آب عفاف و نور فضیلت سیراب شود و توان بگیرد و با گذشت زمان خود به شاخه ای پربار و زیبا از " شجره طیبه " دودمان رسول تبدیل گردد ، اگر " کریمه اهل بیت " نام نگیرد ، پس چیست ؟

این دختر فرزانه که به " فاطمه معصومه " می شناسیمش ، در روز اول ذی القعدة سال 183 هجری در مدینه دیده به دنیا گشوده است د

رخانه ای که پدری چون " امام کاظم " (ع) و برادری چون رضا (ع) در آن می زیسته ، بزرگ می شود . نام مادرش را " خیزران " ، یا " نجمه " یا " اروی " دانسته اند ، که کنیزی است لایق و پاک ، و چون حضرت رضا (ع) را به دنیا می آورد ، " طاهره " نامیده می شود .

فاطمه معصومه ، در دامن ایمان و پاکی می کند و در چشمه عفاف و عصمت و علم و حکمت ، به طهارت روح و جان می رسد . نسب و تبارش نبوی و فاطمی و علوی است . از طرف مادر به امام مجتبی (ع) و از طرف پدر به امام حسین (ع) می رسد⁽⁴⁾ .

عبادت و ادب ، شاخ و برگ روپیده بر این " سرو پاکدامنی " است .

ویژگیهای روحی و خصایص فردی سبب شده که با لقب " کریمه اهل بیت " در زبان عالمان و فقیهان شیعه یاد شود . لقبی که از میان

بانوان اهل بیت ، تنها به او اختصاص یافته است . لقبهای دیگرش نیز ، هر یک گویای کمالات والای اوست ؛ از جمله " محدّثه " ، " عابده

" ، " مقدامه " و " معصومه " ، که هم نامها و لقبهایش و هم ارزشها و فضایلش ، یادآور مادر والا قدرش ، عصمت هستی و حبیبه خدا ،

حضرت زهرا (س) ست . از میان دختران امام کاظم (ع) این بانو با فضیلت ترین آنان به شمار می رود .

از جمله فضیلت های این بانو ، " مقام شفاعت " است . در روایتی از امام صادق (ع) تصریح شده است که با شفاعت آن حضرت ، عده

بسیاری از شیعیان وارد بهشت می شوند .

در متن زیارتنامه آن حضرت نیز درخواست می شود که شفیع ما برای ورود به بهشت شود (یا فاطمه اشفعی لی فی الجَنّه) ، چرا که نزد

خداوند شأن و مقام والایی دارد (فَانْ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِّنَ الشَّانِ).

در سایه تربیت رضوی

فاطمه معصومه (س) تنها به عنوان خواهری که برادرش "علی بن موسی الرضا" را دوست بدارد و بخاطر برادری و خواهری، دل در گرو محبت او گذاشته باشد نیست. گرچه "فاطمه" و "رضا" هر دو از یک پدر و مادرند و از یک پستان پاک شیر خورده و در یک دامن لایق و عقیف، بزرگ شده و با نوازش دست ها و نگاههای یک پدر و مادر رشد کرده اند، لیکن فاطمه معصومه، تربیت شده برادرش حضرت "رضا" است.

دودمان او، خانواده یک زندانی راه حق و اسیر در دست ستمگران است. پدرش حضرت موسی بن جعفر (ع) مبعوض دربار هارون الرشید گشته و به امر او بازداشت و زندانی شده است. این حبس و زندان هم سالها طول کشیده و تا شهادت آن امام ادامه یافته است. خانواده امام، به درد هجران پدر مبتلاست، ولی چون اسارت پدر به خاطر خدا و دین و حریت است، با همه سختیهایش، برای فرزندان، قابل تحمل است، چون خدا راضی است.

در این همه سال که موسی بن جعفر (ع) در زندانهای مختلف به سر می برد، امام رضا (ع) عهده دار تربیت و متکفل زندگی خواهرش حضرت معصومه و دیگر خواهران است. در نبود پدر، رسالت رهبری و مسؤولیت رسیدگی به تربیت فرزندان و حل مشکلات خانواده امام محبوس، بر دوش اوست. حتی رسیدگی به خاندانهای علوی، که امام کاظم (ع) سرپرستی یا سرکشی و رسیدگی به آنان را عهده دار بوده، در این دوران سخت و غم آلود، بر عهده حضرت رضاست.

مورخین، تعداد خانواده هایی را که از طریق امام هفتم موسی بن جعفر (ع) اداره می شدند و تحت تکفل او بودند تا پانصد خانواده ذکر کرده اند. تأثیر تربیتی امام رضا (ع) را بر خواهر معصومش فاطمه، نمی توان نادیده گرفت.

بی جهت نیست که این بانوی جوان، در دانش و کمال، در حدیث و فضل، در ایمان و ثبات قدم، در اراده و فداکاری و هجرت، پایگاه و جایگاه بلندی یافته و به مرز "عصمت" رسیده است و دلهای عاشقان عترت را مجذوب خود ساخته است و عالمانی فرزانه و فقیهانی بلند مرتبه، به آستان بوسی او افتخار کرده و می کنند و سلام به او را هر صبح و شام، توفیقی الهی برای خود می شمردند.

فاطمه، راوی حدیث

در خانواده امام، زمینه از هر جهت فراهم است که فرزندان - چه دختر و چه پسر - با علم و قرآن و حدیث و فقه، آشنایی کامل داشته باشند. فاطمه (س) ریز از این موهبت برخوردار است و آنگونه که گفته اند، "عالمه محدّثه راویه" بوده است. هم احادیثی را از پدران ارجمندش روایت می کند، هم زنان و مردانی صاحب دانش و آشنای حدیث احادیثی را از زبان این بانو روایت می کنند و نام "فاطمه دختر موسی بن جعفر" در سلسله سند برخی روایات دیده می شود و عالمانی از شیعه و سنت، روایات او را در ضمن روایات ثابت و صحیح و مورد قبول نقل می کنند.

یکی از این روایات ، با سندهای متصل ، به حضرت زهرا و پیامبر (ص) می رسد و مربوط به " حدیث غدیر " و " حدیث منزلت " است . و حدیثی دیگر به پیامبر اسلام می رسد و مضمونش نقل قضایا و مشاهداتی از شب معراج است . در حدیث دیگری با چند واسطه از پیامبر خدا نقل کرده است که فرمود : هر کس با محبت آل پیامبر بمیرد ، شهید مرده است⁽⁵⁾ .

و حدیثی دیگر با سندی نزدیک به همین صورت ، به پیامبر (ص) می رسد که مضمونش طهارت و پاکیزگی امام حسین (ع) هنگام ولادت و عدم احتیاج به تمیز کردن است .

نقل حدیث از فاطمه معصومه و اهتمام و توجه عالمان به آنچه از زبان او بعنوان " حدیث " می شنوند و نقل و ثبت آن در مجموعه های حدیثی ، نشان دهنده جایگاه معتبری است که این دختر جوان و عالم ، نزد اهل معرفت و ارباب بصیرت داشته و دارد .

شهادت غریبانه حضرت

در ویژگیهای چندی ، این بانوی والا قدر ، شبیه مادرش حضرت زهرا (س) است . مرگ در جوانی هم یکی از این نقاط اشتراک و تشابه است .

هفده ساله است که برادرش حضرت رضا (ع) به اجبار از " مدینه " به " مرو " برده می شود و مأمون با عنوان " ولایتعهدی " او را به پایتخت خود احضار می کند . در این هنگام ، سال 200 هجری است . وداع دردمندانه و پرسوزی که حضرت رضا (ع) هنگام ترک مدینه به سوی " مرو " انجام می دهد ، همه را به گریه م یاندارد . همه می دانند که حضرت را پس از این " سفر بی بازگشت " نخواهند دید . از این رو ، یک سال نمی گذرد که حضرت معصومه ، همراه تعدادی از برادران خویش به شوق دیدار برادرش ، عزم سفر می کند و به قصد خراسان به راه می افتد . اما دست تقدیر ، تدبیر دیگری اندیشیده است . به سازه که می رسد بیمار می شود .

در برخی نقلها آمده است که میان همراهان ؟ آن حضرت و مأموران حکومتی که مخالف اهل بیت بودند ، درگیری می شود و بعضی از همراهان نیز کشته می شوند .

باری ... قرائن نشان می دهد که به خراسان نخواهد رسید و این بیماری ف او را از پای خواهد افکند .

می پرسد : تا " قم " چقدر فاصله است ؟

می گویند : ده فرسخ .

می خواهد که او را به قم برسانند . چرا که شیعیان قم هواداران اهل بیت اند و اشعریان به این خاندان احترام می گزارند و او از پدرش موس بن جعفر (ع) شنیده است که : " قم مرکز شیعیان ماست . "

وقتی به قم می رسد ، عده ای از بزرگان و چهره های معتبر قمی به استقبال او می شتابند " موسی بن خزرج اشعری " در پیشاپیش استقبال کنندگان است . پیش می رود و زمام ناقه دختر موسی بن جعفر (ع) را می گیرد و او را به طرف خانه خود می برد . موسی بن خزرج ، افتخار آن را دارد که تنها هفده روز از دختر امام پذیرایی کند⁽⁶⁾ .

حال این بانو وخیمتر می شود و در روز 10 ربیع الثانی 201 هجری چشم از جهان بسته ، به خانه ابدی آخرت کوچ می کند . به دستور موسی بن خزرج ، او را غسل می دهند و کفن می کنند و برای خاکسپاری ، به قطعه زمینی به نام " بابلان " - که متعلق به موسی است - منتقل می کنند .

سردابی را حفر کرده اند که پیکر این بی بی را در آنجا دفن کنند . بر سر اینکه چه کسی بدن مطهر حضرت معصومه را برداشته و وارد قبر کند ، میان خاندان و بستگان موسی بن خزرج اختلاف می شود . در نهایت تصمیم می گیرند که خادم پیر و با ایمان و صالحی که دارند ، بدن او را در قبر بگذارد . کسی را در پی آن خادم - که نامش " قادر " است - می فرستند ، ولی در همین لحظه چشمشان به دو تکسوار نقابداری می خورد که از سوی ریگزار به شتاب می آیند .

چون آن دو سواره ، به جنازه نزدیک می شوند فرود آمده ، بر او نماز می خوانند و واگرد سرداب شده و جنازه را وارد آنجا می کنند و به خاک می سپارند ، سپس بیرون می آیند و بی آنکه حتی یک کلمه با کسی سخن بگویند ، می روند و کسی نمی شناسد که این دو سوار ناشناس - و در واقع ، آشنا و شناس با این بانوی گرامی - کیستند؟

پاره ای از تن " اهل بیت " به ودیعت در این شهر مدفون می شود ، تا نشانی از عشق و ولای این سرزمین و مردمانش به خاندان عصمت و به " معصومه اهل بیت " باشد .

دی این جا دفن می شود ، تا این شهر کویری را به " بوستان علم " و " گلشن فقاقت " تبدیل کند .

اگر شکوفه " حوزه علمیه " بر این شاخه جدا افتاده از اهل بیت می روند ، برای با نشاط نگهداشتن مکتب و مرام خاندان رسول (ص) است .

باری ، از آن پس ، سایه بانی از حصیر بر قبر او می سازند ، تا آنکه " زینب " ، دختر امام جواد (ع) قبه ای بر روی قبر عمه اش حضرت معصومه (ع) بنا می کرد .

پس گزاف نیست اگر حضرت معصومه (س) را " فاطمه ثانی " بدانیم با شأن و شرافتی که دارد ، با پیوندی که با شجره طیبه اهل بیت دارد ، با علم و فضیلت و کمالی که در مکتب وحی آموخته است ، با رحلتی در سن جوانی ، غریبانه و دور از وطن ، در هفده سالگی که به شوق دیدار برادرش حضرت رضا (ع) راه مدینه تا " مرو " را پیش می گیرد ، اما پیش از دیدن برادر ، به دیدار خدای حیّ داور می رود . قم ، از دیرباز و از زمان ائمه (ع) ، مرکز شیعه بوده و چهره های برجسته ای از راویان و عالمان ، از این شهر و در این شهر بوده و زیسته اند .

مدفن حضرت معصومه (س) و توصیه امامان بر زیارت قبر مطهر او، بر رونق و موقعیت و جاذبه معنوی این شهر می افزاید و بتدریج ، کتابخانه ها و مدارس دینی و بالأخره در سال 1310 هـ . ش . " حوزه علمیه قم " به دست مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی تأسیس و احیاء می شود و این حوزه که پیشتر هم وجود داشت ، جان تازه ای می گیرد و به همین سبب مرحوم حائری به " آیت الله مؤسس " مشهور می شود . فقیهان و فرزانهانی بسیار ، به این شهر هجرت می کنند و بر وجهه و اعتبار و مرکزیت آن ، جنبه جهانی می بخشند .

زائران بارگاهش و پروانگان شیفته حرمش از سراسر ایران بلکه از کشورهای مختلف می آیند ، تا دل را در کوثر زیارتش صفا بخشند و از علوم اهل بیت بهره گیرند .

امروز علاوه بر زائران حرمش ، از دهها کشور خارجی کسانی در پی آموختن علم دین و فرهنگ ناب تشیع در این شهر به سر می برند و در سایه حرم نورانی بانوی کرامت ، معارف اسلام را می آموزند، تا مبلغ دین و پیام رسان حوزه در سراسر جهان باشند . عظمت و شکوهی که این شهر و این حریم دارد ، ریشه در باورهای مقدس مسلمانان و دلدادگان این خاندان دارد .

در دوره های مختلف ، تعمیرات و بازسازی و توسعه های گوناگونی درحرم مطهر انجام می گیرد تا به صورت کنونی در می آید که برخوردار از گنبد طلایی و چندین گلدسته و دو صحن و ایوان و مجموعه ای رواقها و مساجد اطراف مرقد نورانی اوست و چون نگینی در این شهر می درخشد و نمونه ای از هنر ماندگار هنرمندان با ایمان و عاشق است .

اینک قم ، یک شهر نیست، یک " فرهنگ " است ، جغرافی نیست ، تاریخ است .

قم ، ریشه در دین دارد و از چشمه سار معارف " اهل بیت " سیراب شده است . قم همیشه قائم و پیشتاز و پیشقدم بوده است . در انقلاب اسلامی ، ندای " قم " بود که بر رواق تاریخ معاصر انعکاس می یافت .

19 "دی " بارقه ای از آن دل پر از التهاب و جرقه ای از آن کانون خشم و آتش بود که در سینه خدا باوران و محبتان این خاندان نهفته بود .

شعله مقدس و ستم سوز برخاسته از قم ، همه جای ایران را گرفت و به آفاق جهان معاصر نیز دامن کشید و آن " موج خون " به ساحل پیروزی رسید . ایران با نیروی " الله اکبر " روی پای خود ایستاد . ایران با نیروی " الله اکبر " روی پای خود ایستاد . ایران " قائم " شد و " قم " به ثمر " قیام " نشست .

قائمان قم ، پس از آن تکبیرة الأحرار سبز ، به " سجده شهادت " افتادند . سرانجام ، آن رکوعهای سرخ و آن سجده های خونین به " سلام پیروزی " متصل شد و امام آمد و " دهة فجر " بر سر این امت نور پاشید . نوری که جرقه آن از حماسه 19 دی قم برخاسته بود و سایه لطف این بانوی کریمه بر آن نشسته بود .

پیروزی " فتوا " را جشن گرفتیم و نصرت " اجتهاد و فقاہت " را به عید نشستیم .

اینها همه از جوشش چشمه کویر و عصمت قم ، حضرت معصومه (س) بود که به برکت مزار او ، هنوز هم فروغ فقه و فلسفه و حدیث و قرآن و ایمان و انقلاب ، از این شهر به آفاق گیتی دامن گستر است .

فضیلت زیارتش

تأکید و توصیه ای که نسبت به زیارت قبر حضرت معصومه (س) در روایات دیده می شود ، شگفت است و ما را به مقام و منزلتش بیشتر واقف می سازد .

پاداش زیارت مدفن او " بهشت " است . این ، در بیشتر روایات مربوط به زیارتش آمده است . تشویق به زیارت او از زبان امام صادق (ع) ، امام رضا (ع) ، امام جواد (ع) و ... نقل شده است . سعدبن سعد از امام رضا (ع) در این باره می پرسد ، حضرت پاسخ می دهد :

"مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ"⁽⁷⁾ . "

"کسی که او را زیارت کند پاداشش بهشت است. "

از امام جواد (ع) روایت است که فرمود:

هر کس قبر عمّه ام را در قم زیارت کند ، بهشت برای اوست⁽⁸⁾ .

در حدیث دیگری که سعد روایت می کند ، چنین است که امام رضا (ع) از او می پرسد :

ای سعد ! قبری مربوط به ما اهل بیت نزد شماست؟

پاسخ می دهد : آری فدایت شوم ، قبر فاطمه ، دختر موسی (ع) آنگاه حضرت می فرماید :

آری ! هرکس با معرفت به حَقِّش او را زیارت کند ، بهشت اوست :

"نعم، مَنْ زَارَهَا عَارِفاً بِحَقِّهَا فَلَهَا الْجَنَّةُ"

اما این شرطِ "عارفاً بِحَقِّهَا" مهم و در عین حال دشوار است . گرچه امروز ، به تشویق و توصیه امامان ، زائران بسیاری همه روزه در طول سال ، از همه جا به دیدار مرقدش می آیند و در حرمش و کنار ضریحش رو به قبله می ایستند و 34 مرتبه "الله اکبر" ، 33 مرتبه "سبحان الله" و 33 مرتبه "الحمدلله" می گویند ، سپس به خواندن زیارتنامه اش می پردازند و بوسه بر ضریحش می زنند و او را در پیشگاه خدا شفیع و واسطه قرار می دهند ، ولی آیا همه زائران یکسانند ؟ و آیا همه با یک روحیه و احساس و معرفت ف به زیارت این حرم می آیند و فرازهای زیارتنامه را می خوانند ؟

بزرگان دین و مراجع تقلید و اساتید حوزه و صاحب‌دلان عارف ، از این بارگاه رفیع ، توشه ها چیده اند .

توشه زائران از این زیارت چیست ؟ و آیا همه بهره می برند ، یا رخی دست خالی از این "بازار معرفت" بر می گردند ؟

آنکه به "حرم" می رود ، باید "محرم" باشد و احترام ولی خدا را حفظ کند .

کسی که به "حرم معنویت" قدم می گذارد ، باید

"حُرمت معنی" را لمس کند و چون پای از "مزار" بیرون می نهد ، حالش تحوّل یافته باشد .

حضور تن و جسم ، ولی غیبت روح و جان ، چه فایده دارد؟!...

زیارت عارفانه ، تنها از اهل بصیرت و معرفت بر می آید .

باید دید فلسفه تأکید فراوان بر زیارت اولیاء دین چیست و در چه صورت ، آن اهداف تربیتی تأمین می شود؟ (9)

بزرگان وارسته و عالمان اهل دل ، چگونه زیارت می کردند ؟

شیوه تشرّف آنان به حرمهای مطهر ، از جمله بارگاه باصفای حضرت معصومه (س) الهام بخش و درس آموز است .

شیوه تشرّف آنان به حرمهای مطهر ، از جمله بارگاه باصفای حضرت معصومه (س) الهام بخش و درس آموز است .

به این چند نمونه توجه کنید:

امام امت (ع) در سالهای پیش از تبعید ، هر روز بعد از درس ، غروب تا موقع نماز ، یک تشرّف مختصر به زیارت حضرت معصومه داشتند و این کار ، بطور مداوم بود .

علامه طباطبائی (ره) هنگام روزه ، پیش از افطار ، به حرم مشرف می شد و با بوسه بر مزار این بانو ، روزه خود را می گشود .

حکیم عارف ، مرحوم ملاصدراى شیرازی که مدتها در روستای "کَهک" قم به سر می برد ، هرگاه یک مشکل علمی و گره فلسفی برایش پیش می آمد ، یا از حلّ یک مسأله فلسفی در می ماند ، آهنگ زیارت قبر دختر موسی بن جعفر (ع) می کرد و فاصله چهار فرسخ تا قم را می پیمود و در این زیارت قبر والتجاء و استمداد از روح بلند حضرت معصومه (س) مشکل علمی خود را حل می کرد و به محل اقامت خود بر می گشت .

این بزرگواران ، از "زیارت" چه می دیدند و چه می یافتند که ما نمی یابیم ؟ بی شک ، معرفت آنان بیشتر بود ، در نتیجه بهره روحی شان هم از زیارت ، افزونتر بود .

قم ، حرم اهل بیت عصمت است و شوق زیارت قبر این بانوی عظیم ، دلهای مشتاق و گامهای رهپوی را همواره به این "مرقد" کشانده است .

دریغ است کنار دریا زیستن و تشنه بودن...!

وقتی دیگران برای زیارت حرمش از شهرهای دیگر می آیند و حتی زائرانی از پاکستان ، کویت ، لبنان ، بحرین و کشورهای مختلف شیعه نشین زائر قبر او می شوند ، از ساکنان این شهر و مردم قم ، که در کنار این " کوثر ثانی " از رحمت خدا و برکتهای او برخوردارند ، انتظاری بیشتر است .

بانوی نجیب عترت! خدا را شاکریم که طعم محبت شما ر به ما چشانده است .

می فهمیم که " توسل " یعنی چه . " تبرک " را لمس می کنیم و باور داریم . پشتوانه ای داریم که نامش " شفاعت " است . از سیر و سلوکی برخورداریم ، با عنوان " تقرب " . اینها سرمایه های ماست . خدا کند که اینها را نبازیم .

معصومه عصمت آموز! ای کریمه اهل بیت!

ما هنوز هم محتاجیم و نیازمند . نیاز ما به قدر کرم شماست . ما را رها نکنید .

دوست داریم همچنان اسیر شما باشیم ، بسته درگاهتان ، دلبسته مودتتان .

باری ... زائران حرمش ، هنگام تشرّف باید خود را ایستاده در برابر آینه ای از کمال و بصیرت و عفاف و علم ببینند و از شایستگیها ، فضیلتها ، ایمان و اخلاقش اسوه و الگو بگیرند .

زیارت ، در این صورت است که اثر تربیتی خواهد داشت . اگر برای زیارت ، پاداش و اجر عظیم بخاطر سازندگیهای آن و تأثیر گذاری در فکر ، روح ، اخلاق و زندگی زائر است .

با این حساب ، حرم فاطمه معصومه ، یک مهد معنوی تربیت روح و مرکز تعلیم کمال است ؛ اگر زائر را چشمی بینا و قلبی آگاه باشد ...

سازندگی زیارت

زیارت نمد و نشانه ای از احساس شوق درونی و انسانهای والا و اولیاء خداست . رفتن به زیارت ، دلیلی نمی خواهد ، جز همان محبت قلبی

آنکه عشق و شوق داشته باشد ، به زیارت هم می رود .

زیارت ، زبان علاقه و ترجمان وابستگی قلبی است .

وادی زیارت ، وادی عشق و علاقه و عرفان است .

حرم و صحن و ضریح و رواقها و گنبد و گلدسته و ... ظاهر قضیه است . باطن آن ، ادای احترام به مقام والای امام معصوم و امامزاده

گرانقدری است که در هر مزار آرمیده و فضیلتهايش ، جذب کننده دلها و دیده ها به سوی تربت مقدّس آنان است و همان بُعد معنوی و

باطنی است ه به این مظاهر ، قداست و حرمت می بخشد .

وقتی عشق در کار باشد، محبوب و دیدار او و دیار او و هر چیزی است که منسوب به اوست .

زیارت ، شناخت و معرفت می آموزد و معرفت ، انسان را به زیارت و دیدار ، مشتاق می سازد .

این هر دو ، تأثیر متقابل در یکدیگر دارند .

وقتی کسی در مدار عشق قرار گرفت و در محیط و قلمرو محبت " الله " و " اولیاء الله " وارد شد ، این محبت ، پای او را به زیارتگاهها و مراقد معصومین (ع) می کشاند .

اولیاء خدا هم ، به زائران مشتاق و دلهای مستعدّ عنایت و توجّه می کنند و دل و جانشان را با " کیمیای نظر " دگرگون ساخته ، توفیق تشرّف به حضور را برایشان فراهم می آورند و دست " زائر " را گرفته ، بالا می برند و به مهمانسرای فیض حضور می رسانند و بر مائده ها ی معنویّت می نشانند .

زیارت ، زمینه ساز چنین ارتقای روحی است.

زیارت ، الهام گرفتن از اسوه ها و سرمشق هاست .

برای یافتن شعله عشق خدایی و گرم شدن از حرارت شوق معنوی ، باید به کانونهای روشنی و منبع نور نزدیک شد و گام در حریم " حرم " نهاد .

و باید عاشق شد ، تا زیارت فراهم گردد .

چه نعمتی بالاتر از اینکه انسان ، مورد توجّه پیشوایان معصوم قرار گیرد و در دنیا از نعمت " زیارت " و در آخرت هم ان شاء الله از " شفاعت " آنان بهره مند گردد ... !

پیشوایان معصوم (ع) ، واسطه های فیض اند . باید برای بهره وری از دریای کرم الهی ، آنان را در پیشگاه خداوند ، واسطه و شفیع قرار داد .

حتّی برای " توبه " و " اصلاح نفس " هم ، که دل شکستن و پشیمانی و تصمیم بر ترک گناه و " خوب شده " لازم است ، حریمهای معصومین ، یکی از بهترین جاها و " توسل " به آنان ، یکی از مناسبترین زمینه هاست .

آنکه وقتی که قطرات اشک ، از چشمها بر صورت فرو می غلند ،

وقتی شانه ها ، از شدّت خشیت و خوف می لرزد وقتی نگاهها ملتمسانه به حرم یار ، دل را به محبوب نزدیک می سازد ، وقتی زائر ، خود را در پیشگاه یکی از حجتّهای خدا ، مقصّر و خطاکار و گناه آلود می بیند ، وقتی دل ش می شکند ، این دل شکستنها ، گریه ها ، اشکها و توبه ها ، زمینه ساز پاک شدن جان و قلب از رذائل می گردد و زائر پاک می شود و آب دیدگان ، گرد و غبار معصیت را از صفحه جانش می شوید . زلال و باصفا می شود و به پاکان نزدیکتر می گردد .

خوشا به حال آنکه در این گونه " اماکن مقدسه " .

طیّب و طاهر گردد و زندگی را در مسیر خداپسند از سر گیرد .

ادب و آداب زیارت

مشرّف شدن به " حرم " با رفتن به جاهای دیگر و دیدارهای دیگر فرق دارد .

جان و نیت و روح و جسم باید پاک باشد و زائر ، باید خود را در این حریم مقدّس ، از هر آلودگی و زشتی دور نگاه دارد و بکوشد تا اجر زیارت و ثواب این عبادت را ضایع نکند.

بزرگان ، در " آداب زیارت " حریمهای مطهر ، سفارشها و دستورالعمل های بسیاری دارند . در اینجا به نمونه ای از این رهنمودها اشاره می کنیم .

علامه مجلسی ، سخنی را از مرحوم " شهید اوّل " - از علمای برجسته شیعه - نقل می کند که خلاصه آن ، چنین است⁽¹⁰⁾ :

"آداب زیارت: "

- قبل از ورود به زیارتگاه ، غسل کردن و باطهارت بودن
- با لباسهای پاکیزه و بوی خوش زیارت کردن
- آرام قدم برداشتن و خضوع و خشوع آمدن
- بردرگاه حرم ایستادن و دعا خواندن و اجازه و اذن ورود خواستن ، و اگر رقت قلب حاصل شد . آنگاه وارد شدن
- در برابر ضریح ایستادن و زیارتنامه خواندن
- طرف راست و چپ صورت را بر ضریح نهادن و با تضرّع ، از خدا حاجت خواستن
- صاحب قبر را برای برآمدن حاجت و رفع نیاز ، شفیع قرار دادن
- دو رکعت نماز زیارت خواندن و دعاها را منقول را خواندن
- تلاوت قرآن در حرم داشتن
- حضور قلب داشتن در تمام مراحل زیارت
- توبه و استغفار کردن و صدقه دادن به نیازمندان
- تکریم و احترام نسبت به خدام حرم و "...

خلاصه آنکه زائر ، باید خود را در محضری مقدس احساس کند و ادب شایسته مقام را بداند و مراعات کند و تصوّر کند که در حال حیات و زنده بودن امام یا فرزند امام ، به خانه او آمده و توفیق ملاقات یافته است .

تند خویی با زوّار و خدام ، نگاههای آلوده و تماسهای بدنی حرام ، بی توجهی به نماز جماعت ادامه زیارت هنگام برپایی نماز ، همه و همه نکاتی است که با " آداب زیارت " ناسازگار است .

بزرگان وارسته ، هنگام تشرّف به حرم ، نیتی جز فیض بردن نداشته اند و رفتار و نگاه و نیت و اخلاص خود را هرگز به غیر خدا نمی آمیختند .

بکوشیم تا عملی خالص و دور از ریا و گناه ، داشته باشیم ، که خداوند ، از " اهل تقوا " می پذیرد :

"إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ" (11)

زیارتتان قبول ، و دعاهایتان مستجاب باد...

اذن دخول

بی بی جان ! ... سلام.

می خواستم به زیارت حرمت آیم .

می خواستم بوسه به ضریح مقدست بزنم .

نمی دانستم رخصت آن را داشتم یا نه ؟

وقتی می دیدم بعضیها سر را پایین انداخته ، همین طوری وارد صحن و حریم حرمت می شوند ، از این در وارد شده ، از در دیگر بیرون

می روند ، بی آنکه لحظه ای درنگ کنند و سلامی و ثنایی ، ناراحت می شدم .

آخر ف اینجا خانه توسست .

هرچند درهای حرم گشوده است .

ولی آیا می توان بی اجازه وارد خانه تو شد و بی سلام و درود ، از در دیگر خارج گشت ؟

آستانی که روحهای بلندی بوسه بر آن می زده اند ، حرمی که " آشیانه آل محمد " است ،

حریمی که فرشتگان ، پاسبان آند ،

مرقدی که نگین شهر ماست .

بی بی ! خواستم بی " اذن دخول وارد شوم ،

اما نمی دانستم راهم می دهند ؟

وضو که گرفته بودم . به نیت " زیارت " هم آمده بودم . معتقد بودم که شما اهل بیت آفتاب ، پس از مرگ هم زنده اید و توجه به زائرانتان

دارید .

وقتی روح هر کس پس از مفارقت از بدن ، متوجه مردم و بستگان و خانه و آشنایان است ، شما که جای خود دارید .

شما وصل به دریایید ، اصلاً خودتان یک دریا کرامت و بصیرت و شهودید .

مگر می شود نسبت به زائران و عابران و عارفان و جاهلان ، یکسان نظر کنید ؟

مگر می شود ندانید چه کسانی به زیارتتان آمدند و چه نیت داشتند و چه فهمیدند و چه گرفتند و چگونه رفتند ؟

وقتی گاهی می دیدم بعضی از ساکنان این شهر نور ، همین که از خانه بیرون آمده ، به کوچه یا خیابان یا جایی می رسیدند که از دور

، حرم مطهرت چشم را می نواخت و دل را روشن می کرد ف می ایستادند . و دست ادب به سینه می گذاشتند ، سلام می دادند ، تطییمی

کرده ، به راه خود ادامه می دادند ، لذت می بردم و بر این همه معرفت و ادب، آفرین می گفتم .

می شد از دور هم سلام بدهم .

"بعد منزل نبود در سفر روحانی ..."

ولی ادب ، اقتضا می کرد که برای آستان بوسی به حرم مشرف شوم .

چه صادقانه و ساده ، این زائران خسته و از راه دور آمده ، از هوای معنوی حریم رمت استنشاق می کنند، روحشان شاداب می شود . گاهی

هم چند قطره اشک ، بدرقه سلامشان است . بخصوص وقتی می خواهند از این شهر بروند و سفر زیارتی شان به پایان رسیده باشد و برای

"زیارت وداع " آمده باشند .

بی بی جان !... از این حرفها بگذرم .

آمده ام تا از نزدیک ، عرض ادب کنم .

از صحن گذشته ام . کفشهایم را به کفشداری سپرده ام . از لابه لای جمعیت عبور کرده ام ، اینک در رواقی هستم که براحتی ضریحت را می بینم ، به ، چه جلوه و صفایی دارد . اللهم صلّ علی محمد و آل محمد .

باور دارم خیلی از دل‌های تیره ، جانهای غبار گرفته ، چشمان غریبه با اشک ، روحیه های گریزان و فراری ، وقتی توفیق پیدا می کنند که به این "حرم" آیند ، روشن و زلال می شوند . غبارها از آینه جانشان برطرف می شود ، چشمهایشان با اشک ، آشتی می کند . چه قدر شفاف می شود هوای یک چشم ، پس از یک بارش اشک ، و چه قدر سبک و شاداب می شود روح یک زائر ، پس از یک زیارت و آستان بوسی و توسل . این خاصیت حرم است که پاک کننده دل و صیقل دهنده روح است .

باز هم که دور شدم ! بی بی جان ! وقتی به حرم تو می آیم " مشهد " هم د رجلوی چشمم آشکار می شود . شما دو خواهر و برادر ، چه کرده اید با این دل‌های بی قرار ، که اینگونه پروانه وار ، طواف می کنند؟ !
در حرم تو ، به یاد " کاظمین " هم می افتم .

چه غریبانه ، روز و شب می گذرانند آن عتبات عالیّه در سرزمین عراق !

من عراق نرفته ام و کاظمین را زیارت نکرده ام . ولی در حرم تو ، احساس می کنم که در خراسان یا کاظمینم .

بوی آن دو حجت الهی را از مزار تو استشمام می کنم " بوی گل را از که جوییم ؟ از گلاب . "

بی بی جان ! اجازه هست وارد شوم ؟

اجازه هست بوسه بر ضریح منور بزنم ؟

اجازه هست خود را قاطی این زائران مشتاق کنم و مثل آنان ، ساده و بی ریا و بی ادعاف خود را به ضریح برسانم دودستی به ان بچسبم ،

از لابه لای شبکه های فولادی و نقره ای رنگ ضریح ، مخمل سبزی را که روی قبر تو انداخته اند ، تماشا کنم ، اشک بریزم ، شانه هایم

بلرزد ، دلم متلاطم شود و لبهایم با این ضریح مشبک متبرک شود ؟

می دانم که اجازه خواهی داد .

می دانم که خدا و رسول و فرشتگان ، اذن خواهند داد. اگر رخصت نبود ، توفیق همینجا آمدن را هم نداشتم .

من به " طلبیدن " عقیده دارم . حتی برادر غریب تو، حضرت رضا (ع)هم همین طور است . فقط به خواستن ما نیست . " طلبیدن " او هم شرط است .

گاهی با هزار مقدمه چینی و برنامه ریزی ، جور نمی شود . گاهی هم خیلی آسان ، وسیله و شرایط ، جور و مساعد می شود .

بی بی جان ! تو هم طلبیده ای . شما خانواده ، اهل کرامت و بزرگواری هستید .

کریمان با بدان هم بد نکردند

کسی را از در خود رد نکردند

اگر ناقابلیم و شرمساریم

بجز عشق شما چیزی نداریم

این جا آشیانه آل محمد (ص) و حرم اهل بیت است . دری از درهای بهشت است . شما صاحبخانه اید و ما میهمان . خودتان فرموده اید که به دیدار شما آییم و با حریمهای انس و الفت داشته باشیم . خودتان گفته اید که گامهایی که در مسیر زیارت شما خاندان برداشته می شود ، چه قدر ثواب دارد . خد شما مشوق ما بوده اید . ما هم به دعوت شما آمده ایم . حالا ف من هم یکی از هزاران زائریم که به آستان بوس آمده ام .

جسمم کنار ضریح توست .

ولی ... نمی دانم روح و روحیه ایم تا چه حد به تو نزدیک است ؟

سرراهم که آمدم ، تعظیمی هم به مقام علمی و عرفانی بزرگانی کردم که در کنار حرم تو و در سایه ضریحت آرمیده اند ف آیه الله حائری یزدی ، آیه الله صدر ، آیه الله خوانساری ، شهید مطهری ، علامه طباطبایی ، شهید محراب آیه الله مدنی و بزرگان دیگری که سر بر آستان تو نهاده اند و حتی نام و نشانی هم از آنان بر در و دیوار نیست ، ولی قدم به قدم این حرم و مسجد بالاسر ، آنان را در برگرفته است . وقتی سر قبر علامه فاتحه می خواندم ، به یادم آمد که او ، از روی عشق و علاقه ای که به تو داشت ، وقتی روزه بود ، روزه اش را با ب وسه بر ضریح مقدس تو افطار می کرد . چه معرفتی ! خوشا به حالش .

آن طرف تر ، وقتی کنار قبر آیه الله بروجردی فاتحه می خواندم ، یاد حرف یکی از استادانم افتادم که می فرمود : آیه الله بروجردی سفارش کرده بود که نامش را در لیست خدام افتخاری آستانه تو بنویسند .

هرگاه از کنار قبر شهید آیه الله قدوسی می گذرم ، یاد خاطراتی می افتم که از او در ایام طلبگی و درس خواندن دارم . بی اختیار پاهایم از رفتن باز می ماند ، می ایستم و "الحمد" ی برای او می خوانم . او برگردن من حق بسیار دارد ، هم حق استادی ، هم حق تربیتی و اخلاقی .

مرقد آیه الله بهاءالدینی ، الهام بخش صدق و صفا و معنویت و عرفان است .

قبر آیه الله اراکی و آیه الله گلپایگانی ف یاد سلسله ای نورانی از فقیهان وارسته و عالمان پارسا را در نظر زنده می کند . خوب ، بی بی جان ! زیاد حرف زدم . دست خودم نبود . محبت تو بود که مرا به حرف کشاند و سفره دلم را باز کردم .

بلبل از فیض گل آموخت سخن ، ورنه نبود

این همه قول و غزل ، تعبیه در منقارش⁽¹²⁾

زیارت حرمت ، هم روح را باز می کند ، هم نطق و بیان را و هم زبان را به نجوا و نیاز خواهی و رازگویی می گشاید .

تسبیحات حضرت زهرا (س) را گفته ام .

بگذار " زیارتنامه " را آغاز کنم :

زیارتنامه حضرت معصومه (س)

اَلسَّلَامُ عَلٰی اَدمَ صَفْوَةِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلٰی نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی مُوسٰى كَلِيْمِ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلٰی عِيْسٰى رُوْحِ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُوْلَ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَ خَلْقٍ خَلَقَ اللهُ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفِيُّ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ ، خَاتِمَ النَّبِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلٰی بْنِ اَبِي طَالِبٍ ، وَصِيَّ رَسُوْلِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِيْنَ ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا سِبْطِيَّ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ ، وَ سَيِّدِيَّ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِيْنَ ، وَ قُرَّةَ عَيْنِ النَّاظِرِيْنَ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ، باقرِ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارِءَ الْاَمِيْنَ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُوسٰى الرِّضَا الْمُرْتَضٰى ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ التَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ التَّقِيُّ النَّاصِحَ الْاَمِيْنَ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلٰی الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی نُورِكَ وَ سِرَاجِكَ ، وَ وَلِيِّ وَلِيِّكَ ، وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ . وَ حُجَّتِكَ عَلٰی خَلْقِكَ . السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُوْلِ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيْجَةَ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اُخْتَ وَلِيِّ اللهِ ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللهِ . السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ مُوسٰى بْنِ جَعْفَرٍ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ عَرَفَ اللهُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ وَ حَشَرَنَا فِي زُمْرَتِكُمْ وَ اَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَ سَقَانَا بِكَاسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيٍّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْكُمْ ، اَسْأَلُ اللهَ اَنْ يُرِيْنَا فِيكُمْ السَّرُوْرَ وَالْفَرَجَ ، وَ اَنْ يَجْمَعَنَا وَ اِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ (ص) وَ اَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ اِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيْرٍ . اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ بِحُبِّكُمْ ، وَ الْبِرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ ، وَ التَّسْلِيْمِ اِلَى اللهِ ، رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ ، وَ عَلٰی يَقِيْنٍ مَا اَتٰى بِهِ مُحَمَّدٌ (ص) وَ بِهِ رَاضٍ ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي ، اَللّٰهُمَّ وَ رِضَاكَ وَ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ ، يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِيْ لِيْ فِي الْجَنَّةِ ، فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ . اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اَنْ تَخْتِمَ لِيْ بِالسَّعَادَةِ ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّيْ مَا اَنَا فِيْهِ ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ ، اَللّٰهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَ تَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَ عَزَّتِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِيَّتِكَ ، وَ صَلِّ اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِيْنَ ، وَ سَلِّمْ تَسْلِيْمًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

ترجمه زیارتنامه

سلام بر آدم ، برگزیده خدا

سلام بر نوح ، پیامبر خدا

سلام بر ابراهیم ، دوست خدا

سلام بر موسی ، هم سخن خدا

سلام بر عیسی ، روح خدا

سلام بر تو ای رسول خدا ، ای بهترین خلق خدا ، ای برگزیده خدا ، ای محمد بن عبدالله ! آخرین پیامبر .

سلام بر تو ای علی ، ای امیرالمؤمنین جانشین رسول خدا

سلام بر تو ای فاطمه ، سرور زنان جهان

سلام بر شما ، ای دو فرزند پیامبر رحمت و سرور جوانان بهشتی ، (امام حسن و امام حسین (ع))

سلام بر تو ای امام محمد باقر ، شکافنده علوم پس از پیامبر

سلام بر تو ای امام جعفر صادق ، نیکوکار و امین

سلام بر تو ای امام موسی بن جعفر ، امام پاک و مقدّس

سلام بر تو ای امام علی بن موسی الرضا ، پیشوای پسندیده

سلام بر تو ای امام محمد تقی

سلام بر تو ای امام علی النقی ، خیر خواه و امین

سلام بر تو ای امام حسن عسگری

سلام بر جانشین و حجّت خدا پس از او

خدایا بر نور و چراغ فروزان خودت (امام زمان) درود فرست

که ولیّ تو جانشین جانشینات و حجت تو بر بندگان است .

سلام بر تو ، ای دختر پیامبر (ص) ، ای دختری فاطمه (س) و خدیجه (س)

سلام بر تو ، ای دختر امیرالمؤمنین (ع) ، و دختر امام حسن (ع) و امام حسین (ع)

سلام بر تو ، ای دختر ولیّ خدا ف ای خواهر و عمّه ولیّ خدا

سلام بر تو ، ای دختر موسی بن جعفر (ع)

سلام بر تو .

خداوند میان ما و شما در بهشت ، آشنایی و ارتباط برقرار کند و ما را در گروه شما محشور کند و از حوض کوثر جدّتان پیامبر و به دست علی بن ابی طالب سیراب کند .

درود خدا بر شما باد .

از خداوند می خواهیم که شادی و فرج شما را به ما بنمایاند و ما و شما را در گروه جدّتان حضرت محمد (ص) گرد آورد و معرفت شما را از ما نگیرد ، که او عهده دار و تواناست .

با دوستی شما و بیزاری از دشمنانتان و تسلیم در برابر خدا ف به شما تقرب می جویم .

راضیم ، نه ناخوشایند و نه متکبر .

به آنچه حضرت محمد (ص) آورده ، یقین دارم و به آن راضیم و رضای تو را می جویم .

خدایا! رضای تو و بهشت برین را می خواهیم .

ای فاطمه معصومه !... درباره ورود در بهشت ، برای من شفاعت کن ، چرا که نزد خداوند ، مقام بلندی داری .

خدایا از تو می خاهم که عاقبت مرا به سعادت ختم کنی و ایمان و ولایتی را که دارم از من مگیر .

هیچ قدرت و نیرویی جز از خدا نیست .

خدایا به کرم و عزت و رحمت قسم ، دعايمان را مستجاب و زیارتمان را قبول کن و بر محمد همه آل محمد درود و سلام فرست . " یا

ارحم الراحمين"

شهرها انگستردند و "قم"، نگین
قم، همواره حجت روی زمین
تربت قم، قبله عشق و وفاست
شهر علم و شهر ایمان و صفاست
مرقد "معصومه" چشم شهر ما
مهر او جانهای ما را کهربا
دختری از اهل بیت آفتاب
وارث دُر حیا، گنج حجاب
در حریمش مرغ دل پر می زند
هر دلی اینجاست مجذوب حرم
جان، اسیر رشته جود و کرم
این حرم باشد ملائک را مطاف
زائران را ارمغان، عشق و عفاف
آستان بوسش بسی فرزندگان
معرفت آموز، از این آستان
دیده پاکان به قبرش دوخته
عصمت و پاکی از آن آموخته
"حوزه قم" هاله ای بر گرد آن
فقه و احکام خدا را مرزبان
قم همیشه رفته راه مستقیم
بوده در مهد هدایتها مقیم
قم نمی بیند مگر خواب قیام
تیغ قم بیگانه باشد از نیام
شهر خون، شهر شرف، شهر جهاد
شعر فقه و حوزه، علم و اجتهاد
هر کجا را هر چه سیرت داده اند
اهل قم را هم بصیرت داده اند
نقطه قاف قیامند اهل قم

برق تیغ بی نیامند اهل قم
اهل قم ، ز اوّل ولایت داشتند
در دل و در دیده ، " آیت " داشتند
سر نمی سودند ، جز بر پای دین
دل نمی دادند إلّا بر یقین
دین ، مطیع امر مولا بودن است
راه را با رهنما پیمودن است
اهل قم از یاوران " قائم " اند
در قیام و پیشتازی دائم اند
دختر " موسی بن جعفر " را درود
کز عنایاتش تراوید این سرود

پاورقی ها

-
- (1)- این جزوه قبلاً به همین نام در سال 1373 چاپ شد ، که اینک با اضافات و اصلاحاتی تقدیم می شود
- (2)- بحار الانوار ج 99 ف ص 267.
- (3)- هم الفقهاء العلماء ، هم اه الترابه و الزاویه و حسن العبادۀ _ بحار الانوار ، ج 57 . ص 217.
- (4)- به همین جهت در زیارت نامه اش او را دختر حسن و حسین (ع) خطاب می کنیم ، (السلام علیک یا بنت الحسن و الحسین)
- (5)- (الآمن مات علی حُبِّ الْمُحَمَّدِ مات شهیداً
- (6)- محلی که عبادتگاه آن حضرت در این مدت بوده ، هم اکنون هیز موجود است و به نام " بیت النور " واقع در خیابان چهارمردان ، میدان میر ، شناخته می شود.
- (7)- بحار الانوار ، ج 99 ، ص 265.
- (8)- من زار قبر بقیمة فلة الحنة (بحار الانوار ، ج 99 ، ص . 265)
- (9)- درباره فلسفه زیارت و آثار تربیتی آن نگاه کنید به کتاب " زیارت " از : جواد محدثی (نشر مشعر)
- (10)- بحار الانوار ، ج 100 ، ص 134.
- (11)- مائده ، آیه 27.
- (12)- حافظ.
- (13)- شعر از نویسنده است